

## مقایسه یک نمونه از اشیاء فلزی قرن ۸ هجری (دوره تیموری) موزه ملی ایران با دو نمونه از آثار موجود در موزه ملی ایروان ارمنستان

\*  
شهرام حیدرآبادیان  
\*  
دکتر سوسن بیانی  
\*  
\*  
دکتر محمود طاووسی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱۱/۵  
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۲/۲۵

**چکیده:** هنر فلزکاری اسلامی در طی قرون ۸ و ۹ هجری پیشرفت فراوانی را نشان می‌دهد. در این زمان شاهد اجرای قلم‌زنی‌های بسیار ظریف و پرکار، رسم خطوط ثلث و گهگاه کوفی، و نیز تصویرگری شمایل‌های انسانی بر ظروف مفرغی و برنجی هستیم. هنرمندان فلزکار در این دوران با تصویرگری نقوش، یکسری روایات تاریخی را به تصویر کشیده و یا با رسم کتیبه‌های اسلامی با مضمون آیات قرآنی و دعا‌های خیر و برکت، از خداوند متعال برای صاحب ظرف آرزوی سلامتی و سعادت خواستار شده‌اند. یک نمونه ظرف مطرح شده در این مقاله، که برای نخستین بار مورد بررسی قرار گرفته، و متن کتیبه‌ها و تصاویر آن نیز برای نخستین بار به چاپ می‌رسد، اطلاعاتی کلی در خصوص فن هنر فلزکاری آن دوران در اختیار قرار می‌دهد.

**واژگان کلیدی:** فلزکاری تیموری، کتیبه، نقوش انسانی

### مقدمه

بدو امر اشیاء فلزی را بصورت ساده، با برآمدگی و انحنا، و محدب و مقعر ساختن بدنه اشیاء غالباً با کتیبه و نوشتار به خطوط گوناگون عربی که خطاطان مبتکر آن بودند، مزین می‌ساختند. در عصر شاهرخ و بایسنقر و سایر شاهزادگان و امیران تیموری هنر فلزکاری رونق و حیات عصر سلجوقیان را بازیافت و فلزکاران این زمان توانستند به ویژه در هرات مرکز خراسان اشیاء مختلف را از مس، برنج، مفرغ و آهن و فولاد در ساخت ظروف و اسلحه سرد، نقره‌کاری و طلاکوبی نمایند (احسانی، ۱۳۸۲، ۱۶۵).

در زمان تسلط مغولان صنعتگران هندی برنج و آلیاژهای دیگر را برای ظروف مورد احتیاج روزانه و ظروف مورد نیاز مذهبی بکار می‌بردند و روی این ظروف را با اشکال ساخته شده از نقره تزئین می‌کردند. زینت آلات جواهر نشان که در هندوستان مورد استعمال زیاد داشت از طلا و نقره ساخته می‌شد و با احجار کریمه و میناکاری تزئین می‌گردید. یک مجموعه از اینگونه جواهرات در کنار سایر اشیاء کتیبه‌دار اسلامی در موزه متروپولیتن وجود دارد (داوودی، ۱۳۸۲، ۳۱).

هنر فلزکاری در خراسان و غرب ایران در قرون ۷ و ۸ هجری آغاز شکوفایی هنر فلزکاری پس از حمله مغول از اوائل قرن ۷ هجری از غرب ایران پدیدار گشت و به تدریج تا اواسط قرن ۸ هجری به خطه فارس و غرب خراسان نفوذ یافت. استناد ما در این مورد بیشتر بر پایه اشیاء مسی، مفرغی و برنجی این دوران مانند پایه‌های چراغ، مشعل، هاون و مشربه و سایر آثار هنری است که از فلزکاران این سده به جای مانده است. در این دوران هنوز به کار بردن کتیبه عربی بر روی اشیاء فلزی در بین فلزکاران ایرانی رواج داشت. به کلامی دیگر، نفوذ هنر فلزکاری خراسان که پیش از حمله مغولان تا اقصی نقاط غربی کشور، یعنی تا حدود دیار بکر از زنجان و موصل پیشرفت کرده، و این نقاط از آسیب یورشهای مغولان تا حدی در امان مانده بود، در این زمان از نواحی غربی کشور به سرزمین اصلی ایران بازگشت، و بویژه در فارس و خراسان مجدداً رونق و گسترش یافت. پس از به قدرت رسیدن تیموریان و تشویق فلزکاران، هنر خاص فلزکاری تیموری پدیدار گردید. در این دوران فلزکاران در

\* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری باستان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. heydarabadian\_sh@yahoo.com

\* عضو هیأت علمی دانشگاه تهران. sussanbayani@yahoo.com

\* عضو هیأت علمی گروه ادبیات و زبان فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن. tavosimahmoud@yahoo.com

میراث هنرهای تزئینی ایران و آسیای میانه در قرن نهم هـ / پانزدهم م. نه تنها توسط اشیاء با شکوه ساخته شده از برای هنر پروران تیموری، بلکه از سوی هنرمندان و هنرورانی پراکنده شد که سبک تیموری را به جاهای دیگر هم منتقل کردند. ویژگی‌ها و مولفه‌های هنرهای تجسمی دوره تیموری ایران و آسیای میانه در قرن نهم هـ / پانزدهم م. هنرهای تجسمی سایر مناطق از قبیل ترکیه و هند مسلمان را نیز فرا گرفت و در این مناطق سبکی پدید آورد که می‌توان آن را سبک بین‌المللی تیموری نامید. از ویژگی‌های این سبک نقش‌مایه‌های گیاهی چینی وار بود که با اسلیمی‌های بی جنبش تلفیق گردیده بود و بویژه در پیشبرد و بالندگی یک سبک مستقل عثمانی در قرن دهم هـ / شانزدهم م. تأثیری قاطع داشت. تیموریان آنچنان شیفته هنر ایران، به خصوص سبک معماران اصفهانی شده بودند که وقتی تیمور را می‌خواستند به خاک بسپارند، از اصفهان یک نفر معمار آوردند تا مقبره‌های بزرگ و شایسته او در سمرقند بنا کنند. پس از مرگ تیمور اخلاف و نوادگان او و دولتمردان این عصر، مانند شاهرخ، امیر علی شیر نوایی، بایسنقر میرزا، و ابراهیم میرزا در تشویق هنرمندان هر رشته کوشیدند و مکتبی تازه از هنر فلزکاری در مرکز حکومت خود، در شهر هرات، پایتخت خراسان، برپا ساختند. در پایان کار تیموریان، فلزکاری تیموری که در ساخت اشیاء پولادین و اسلحه سازی و تزئین با طلاکوبی و نقره‌کوبی مهارت یافته بودند در خدمت دربار تازه صفوی مشغول کار شدند. اصولاً غنای هنر فلزکاران ایرانی در این عصر که مرهون مهارت و تجربیات پیشینیان است، موجب تکامل و رستاخیز هنر فلزکاری در این زمان شد. در ایران پیشرفت و ترقی فلزکاری بتدریج انجام می‌یافت؛ یعنی از نسلی به نسلی دیگر و از پدر به پسر سپرده می‌شد. در اواسط قرن پانزدهم میلادی فلزکاران ایرانی از پیروی سبک‌های پیشین بویژه مغولی، که یکنواخت و خسته کننده بود، دست برداشتند. این هنرمندان به علت گسترش معتقدات مذهبی تازه، که تشیع بود و به علت تحولات سیاسی در داخل کشور، سبکی نوین در هنر فلزکاری بوجود آوردند.

#### ♦ توصیف شیء

##### شمعدان

##### جنس

فن ساخت و تزئین: ریخته‌گری، حکاکی، قلم زنی، نقره کوبی

قدمت: قرن ۸ هجری

شماره ثبت شیء: ۳۵۶۰

ابعاد: ارتفاع ۳۲ سانتی متر، قطر دهانه ۵/۸ سانتی متر

محل کشف: نامعلوم  
محل ساخت: احتمالاً غرب ایران  
محل فعلی شیء: موزه ملی ایران  
بخش فوقانی شمعدان که محل یا پایه قرارگیری شمع محسوب می‌شود، در درون خود دارای کتیبه‌ای با مضمون زیر است:

"السعادة والسلامه و طول العمر صاحبه." این عبارت به معنای آرزوی خوشبختی و سلامتی و طول عمر برای صاحب شیء است. بخش فوقانی شمعدان، یعنی بخشی که نگهدارنده شمع است، با دو نوار افقی به سه بخش مجزا تقسیم می‌شود؛ در دو بخش بالایی و پایینی نوعی طرح گیاهی طوماری شکل بطور پیچ خورده با ظرافت فراوان اجرا شده و در نوار میانی به خط ثلث کتیبه‌ای به شرح زیر دیده می‌شود:

"العز الدائم / الاقبال المجد / النعم الافضل / السعادة السلامه." پس زمینه این نوشتار با نوعی طرح توریاقت تزئین شده است. بر بخش گردن ظرف در دور تا دور چهار دایره مزین به تصاویر نوازندگانی به چشم می‌خورد که هر یک به حالت چهار زانو نشسته و نوعی آلت موسیقی شبیه به ستار بدست دارند. در داخل دایره و فضاهای مابین آنها، نقوش پیچ خورده گیاهی سرتاسر سطح را پوشانده است.

با ایجاد یک فاصله کوتاه مشبک کاری شده، بر انتهای گردن شمعدان کتیبه دیگری به خط ثلث با مضمون زیر وجود دارد:

"العز الدائم / الاقبال / الدوله / السعادة السلامه / المجد النعمه الجنه." همچنین بر قسمت شانه، کتیبه دیگری به خط ثلث قلم زنی شده است:

"العز و النصر و الاقبال / الجود الكرم و النعمه / الحلم الافضل /...". در حد فاصل گردن و پایه شمعدان، نوعی طرح طوماری شکل شبیه به امواج آب دیده می‌شود و بخش پایینی آن با اندک بیرون زدگی دربردارنده یکسری باریکه های قلم زنی شده می‌باشد که بدنه شیء را از بالا به پایین قاب گرفته است. پرکارترین و ظریف‌ترین نقوش شمعدان بر این قسمت اجرا شده و صحنه اصلی که شامل سوارکاران و کتیبه‌های بزرگ می‌باشد از بالا و پایین با کمک دو نوار قرینه محدود گردیده است (تصویر ۱). هر یک از این نوارهای قرینه، دارای نقوش هندسی، گیاهی و حیوانی بسیار ظریفی می‌باشد؛ بر این نوارها، که حد آنها توسط دو خط برجسته مشخص شده، دایره منقوشی به چشم می‌خورد که با طرحی از پرندگانی قرینه‌بال‌های گشوده پر شده‌اند و در حد فاصل دایره، لوزی‌های ممتدی طراحی شده که تعداد آنها در بالا سه عدد و در پایین در حد فاصل هر دو دایره تعداد آنها به چهار عدد می‌رسد.

مانده است. اسبها در حال حرکت، و سوارکاران در حال هدایت آنها تصویر شده‌اند. وضعیت دست‌ها و حالت قرارگیری بر اسب، و همچنین فرم لباس هر دو سوار مشابه است؛ تنها تفاوت چشمگیر شکل کلاه است که در یکی کنگره‌دار و در دیگری صاف دیده می‌شود (تصویر ۲).



تصویر ۲: نقش سوارکار با کلاه کنگره دار (آرشیو موزه ملی ایران).

در دو دایره دیگر که در حد فاصل دو دایره فوق طراحی شده‌اند، هر دو سوارکار با کلاههایی کنگره دار طراحی شده‌اند و بر دست چپ آنها پرندگانی با دم‌هایی بلند تصویر شده است (تصویر ۳). چهره اسب یکی از این دو سوارکار و نیز بخش پایینی لباس او، نسبت به دیگری با رسم جزئیات قلم‌زنی شده. بطوری که تمامی مختصات چهره و افسار اسب بدقت کار شده است. این وضعیت در مورد پرنده‌ای با بال‌های گشوده که بر دست این سوار طراحی شده نیز مصداق دارد. در مقابل، در طرح سوارکار دیگر، نه تنها چهره اسب و جزئیات نقش پرنده تصویر نشده، بلکه بال‌های پرنده نیز با حالتی کاملاً بسته دیده می‌شود. اما تفاوت مهم در اینجا، تغییر جهت چهره سوارکار رو به پرنده است؛ زیرا در هر سه طرح مدور دیگر هر سه سوارکار به جلو می‌نگرند. در میان این چهار طرح مدور، کتیبه‌ای به خط ثلث با مضمون زیر نقش شده است:

”و عز لمولانا الملک اعظم / و السلطان المعظم / و العالم العادل  
و المظفر المجاهد المرابط.“

هنرمند بر طبق کتیبه فوق، که ظاهراً در مدح پادشاه سروده شده، آرزوی سربلندی برای فرمانروایش نموده و او را شخصی عادل و عالم و پیروز و جنگجو معرفی می‌کند. بر آخرین بخش تزئینی این شمعدان، که با بدنه‌ای لبه دار و قلم زنی شده مجزا گشته، دو نوار باریک تزئینی به چشم می‌خورد؛ ردیف بالایی طرح‌های گیاهی در هم فرورفته متشکل از گل و

در درون لوزی‌ها طرح‌های مشابه گیاهی به صورت چند پر با نظم هندسی اجرا شده و تمامی فضاهای خالی بین نقوش هندسی در این نوار با طرح‌های بهم پیچیده گیاهی انبوه گشته است؛ بنحوی که تقریباً ذره‌ای فضای خالی دیده نمی‌شود. اصلی‌ترین نقش، بر بخش میانی، صحنه‌هایی از سوارکاران است که درون چهار دایره قلم‌زنی شده‌اند و زمینه هر دایره مملو از طرح‌های پر پیچ و خم گیاهی است.



تصویر ۱: شمعدان برنجی، قرن ۸ هجری (آرشیو موزه ملی ایران).

دوایر مزین به نقش پرندگان، بنحوی در چهار گوشه جانبی هر یک از این طرح‌ها قرار گرفته‌اند که تأثیر تزئینی بسیار زیادی ایجاد کرده است. شبیه به چنین طرح تزئینی، که دو به دو پرندگانی رو به روی هم را نشان می‌دهد، بر یک ابریق برنجی که از غرب ایران بدست آمده و به قرون ۷ و ۸ هجری تاریخ‌گذاری شده، می‌توان مشاهده کرد (Fehervari, 1976, 173). البته بر اغلب نمونه کارهای قرن هشتم هجری تراکم نقوش گیاهی بر سطح ظروف فلزی بسیار بیشتر از طرح‌های پرندگان و حتی نقوش انسانی است (Komaroff, 1992, 137). نقش سوارکاران بطور یک در میان دارای اندک تفاوت‌هایی می‌باشد؛ در اطراف سر هر یک از این اشخاص هاله‌ای روشن که تأکید بر شخصیت آنها دارد دیده می‌شود. وجود هاله روشن در اطراف سر اشخاص در ایران برای اولین بار بر آثار هنری ساسانی، مخصوصاً ظروف نقره، دیده می‌شود که در آن زمان به نشانه تقدس افراد لحاظ می‌گردید (کاتر، ۱۳۸۳، ۴۸). چیدمان تصاویر بطریقی است که در دو نمونه از این طرح‌ها، افراد چوبدستی‌هایی با انتهای مدور بدست دارند که ظاهراً برای هدایت اسب می‌باشد. جزئیات چهره افراد در اینجا با خطوطی ضعیف و سطحی که حاصل قلم‌زنی ظریف می‌باشد، مشخص شده اما چهره اسب‌ها کاملاً صاف و ساده باقی

در موزه ملی ایروان در ارمنستان دو نمونه شیء از دوره تیموری نگهداری می‌شود که یکی از آنها شمعدانی نسبتاً مشابه با نمونه مورد بحث ما می‌باشد؛ از آنجایی که این اشیاء از نظر ویژگی های هنری، فنی و ریخت‌شناسی منابع مهمی برای بررسی اثر مورد نظر ما محسوب می‌شوند، به توصیف آنها می‌پردازیم.

#### ♦ توصیف فنی و ادبی اشیاء

شیء شماره ۱؛ مشربه (تصویر شماره ۴)

این ظرف با شماره ثبت ۱۸۸۶-۹۴۳ در موزه ملی ایروان دارای ارتفاع ۱۳ سانتیمتر و قطر ۸/۱۲ سانتیمتر می‌باشد و اساساً از فلز برنج با فن ریخته‌گری ساخته شده، بطوری که بدنه ظرف بصورت خممه مانند بر پایه‌های کوتاه و کم‌ارتفاع استوار است که حالتی حلقوی مانند دارد. گردن ظرف بطور استوانه‌ای شکل طراحی شده و قسمت لبه، ضخامت نسبتاً بیشتری را نشان می‌دهد. گردن و بدنه ظرف با طرحی طوماری شکل و درهم تافته، به یکدیگر متصل شده و دستگیره‌های ازدها مانند با کمک از فن لحیم‌کاری از دو سر خود به لبه و بدنه ظرف متصل شده که در بررسی‌های میکروسکوپی بخش‌های لحیم شده بصورت برآمدگی‌های گلوله مانند کوچکی که دارای اندک پستی و بلندی هستند، بوضوح دیده می‌شوند. از دیدگاه هنر تزئینی، اصلی‌ترین فن اجرا شده، هنر قلم‌زنی و مرصع‌کاری می‌باشد که در سطحی وسیع، در سرتاسر بدنه و گردن ظرف، با ظرافت فراوان و با کمک از تکنیک نقره نشان کردن اجرا شده است.

البته مواردی مشابه از اینگونه فنون رایج بر اشیاء فلزی دوران اسلامی، درگذشته توسط دیگر پژوهشگران گزارش شده است (Melikian Chirvani, 1982, 53). همچنین در پس‌زمینه ظرف با کمک از تکنیک قلم‌زنی و با افزودن ماده‌ای سیاه رنگ [که به علت عدم صدور مجوز برای نمونه‌برداری، شناسایی ماهیت آن امکان‌پذیر نگردید] فضایی تیره‌بمنظور گویاتر نمودن طرح‌های قلم‌زنی شده موجود بر سطح ظرف، ایجاد کرده‌اند. از دیدگاه گونه‌شناسی و کشف سایر نمونه‌های مشابه (Jenkins, 1982, p. 112) اینگونه می‌توان فهمید که محل ساخت این قبیل ظروف احتمالاً هرات، در ایالت خراسان بزرگ بوده است. موضوع بسیار مهم دیگر، وجود کتیبه‌های ارزشمندی است که با قلم‌زنی‌های بسیار ظریف بر دورتادور گردن و بدنه ظرف اجرا شده، که بطور کلی کتیبه موجود برگردن ظرف که به خط ثلث می‌باشد با موضوع دعای خیر و برکت و آرزوی سلامتی برای صاحب ظرف، بصورت زیر خوانده می‌شود:

لصاحبه السعاده و السلامه / و طول العمر، ناحت حمامه /

و عز دائم لا ذل فيه / و اقبال.

بوته‌های تزئینی دیده می‌شود که در حد فاصلی مشخص چهار دایره منقوش به طرحی شبیه به کتیبه‌های بنایی، که کاملاً در زیر طرح سوارکاران قرار گرفته‌اند، نقش شده‌اند که در دو مورد بصورت چهار پره، و در دو مورد دیگر بصورت شش پره طراحی گردیده‌اند. از دیدگاه نقوش انسانی و وضعیت سوارکاران که پرنده‌ای بدست دارند، نمونه بسیار مشابهی در مجموعه ویکتوریا آلبرت لندن نگهداری می‌شود؛ در اینجا نه تنها سوارکار پرنده‌ای بدست گرفته، بلکه نقوش پرنده‌گان بر سرتاسر گردن شمع نقش بسته و بر پایه شیء خط کوفی مژهر، بر زینت شمعدان افزوده است. این شمعدان که محل ساخت آن احتمالاً ارمنستان می‌باشد، به قرن هفتم هجری تاریخ گذاری گردیده است (Chirvani, 1982, 359). از نمونه‌های قابل مقایسه دیگر برای این شیء می‌توان به یک پایه شمعدان برنجی از قرن هشتم هجری اشاره کرد که اکنون در موزه لوور نگهداری می‌شود. این شباهت از بابت تزئینات و طرح و چگونگی قلم‌زنی‌های بسیار زیاد است. اما در اینجا کتیبه‌های موجود بر شمعدان به خط نسخ تحریر شده‌اند (Chirvani, 1982, 175).

در نمونه‌های دیگر که فرمی کاملاً مشابه با نمونه موجود در موزه ملی ایران دارد، بخش‌های مختلف با نقوش گیاهی مرزبندی‌های مشخص پیدا کرده و بر بدنه شیء در حدفاصل شمشه‌های انسانی که معرف اشخاص مهم هستند، تیه‌هایی به خط ثلث قلم‌زنی شده است. ظاهراً محل ساخت این ظرف شمال غرب ایران می‌باشد (Feheravari, 1976, p. 192). نقش سوارکارانی که پرنده بر دست دارند، ظاهراً برای اولین بار با هجوم مغولان به نواحی شرقی ایران بر اشیاء قرون ۷ و ۸ هجری ظاهر شده است؛ برای اثبات این گفتار می‌توان به یک شمعدان برنجی نقره کوب از قرن هفتم هجری اشاره کرد که بر آن تصاویری از نوازندگان، بزرگان و سوارانی پرنده بر دست نقش شده است (وارد، ۱۳۸۴، ص. ۸۹).



تصویر ۳: نقش سوارکار با پرنده ای بر دست (آرشبو موزه ملی ایران).



العز و الاقبال والدوله و السعاده و السلامة و الکرامة آمین  
یا اله العالمین.



تصویر ۴: مشربیه برنجی (آرشیو موزه ملی ایران).

◆ شیء شماره ۲: شمعدان (تصویر شماره ۵)

این شیء با شماره ثبت ۱۲۸۶-۳۵۲ در موزه ملی ایران دارای ارتفاع ۲۴ سانتیمتر و قطر ۱۷ سانتیمتر می‌باشد و اساساً همانند شیء قبلی از فلز برنج با فن ریخته‌گری ساخته شده. و بدنه‌ای نسبتاً بلند و پهن دارد که بر سرتاسر بدنه آن یک سری طرح‌های گیاهی و کتیبه با فن قلم زنی بسیار ظریفی اجرا گردیده است. دو طرح گیاهی طوماری شکل بالاترین قسمت و پائین‌ترین قسمت بدنه شمعدان را قاب گرفته است. در سرتاسر بخش‌های قلم زنی شده، با کمک از فلز نقره تکنیک مرصع کاری اجرا گردیده و زمینه شیء نیز دارای طرح‌های شور خورده بسیار ظریفی می‌باشد. در داخل چند قاب هندسی منظم به خط نسخ، بخشی از یکی از غزلیات حافظ بصورت زیر قلم زنی شده است:

در وفای عشق تو مشهور خوبانم چو شمع

شب نشین کوی سربازان و رندانم چو شمع

روز و شب خوابم نمی‌آید بچشم غم پرست

بس که در بیماری هجر تو گریانم چو شمع

نمونه‌های مشابه این نوع شمعدان که در برخی از موزه‌های

جهان نگهداری می‌شوند، گزارش شده است (Pigott, 1999, 75).



تصویر ۵: شمعدان برنجی (آرشیو موزه ملی ایران)

بر قسمت بدنه ظرف به خط نسخ در چهار ردیف دو غزل بسیار معروف از حافظ قلم زنی شده که بصورت زیر قابل توضیح می‌باشد؛ در بالاترین ردیف و پائین‌ترین ردیف کتیبه‌ها، غزل زیر بصورت دوقسمتی اجرا شده است:

سحرم دولت بیدار ببالین آمد

گفت برخیز که آن خسرو شیرین آمد

قدحی در کش و سرخوش بتماشا بخرام

تا ببینی که نگارت بچه آیین آمد

مژدگانی بدهای خلوتی نافه گشای

که ز صحرای ختن آهوی مشکین آمد

گریه آبی برخ سوختگان باز آوردم

ناله فریادرس عاشق مسکین آمد

مرغ دل باز هوادار کمان ابروئیست

ای کبوتر نگران باش که شاهین آمد

ساقیا باده ده و غم مخور از دشمن و دوست

که بکام دل ما آن بشد و این آمد

رسم بد عهدی ایام چو دید ابر بهار

گریه‌اش بر سمن و سنبل و نسیرین آمد

چون صبا گفته حافظ بشنید از بلبل

عنبر افشان به تماشای ریاحین آمد

همچنین در دو ردیف داخلی، غزل زیر خوانده شد:

خوشتر ز عیش و صحبت باغ و بهار چیست

ساقی کجاست گو سبب انتظار چیست

هر وقت خوش که دست دهد مغنم شمار

کس را وقوف نیست که انجام کار چیست

پیوند عمر بسته بموئیست هوش دار

غم خوار خویش باش غم روزگار چیست

معنی آب زندگی و روضه ارم

جز طرف رودبار و می خوش گوار چیست

مستور و مست هر دو چو از یک قبیله‌اند

ما دل بعشوه که دهیم اختیار چیست

راز درون پرده چه دارد فلک خموش

ای مدعی نزاع تو با پرده دار چیست

جور و جفای یار اگرش اعتبار نیست

معنی عفو و رحمت آموزگار چیست

زاهد شراب کوثر و حافظ پیاله خواست

تا در میانه خواسته کردگار چیست

علاوه بر این، با بررسی کف خارجی ظرف این نکته

مشخص شد که در دو دایره متحدالمركز به خط نسخ نام

هنرمند و سال ساخت این اثر به همراه دعای خیر و

سلامتی به درگاه خداوند بصورت زیر قابل مشاهده است.

عمل حبیب الله بن علی بهارجانی سنه ۸۶۶

♦ **اجرای آزمون فلورسانس پرتو ایکس (XRF) بر اشیاء**  
تجزیه سطح فلز توسط فلورسانس پرتو X تنها بطور تقریبی می‌تواند نشانگر ترکیبات این دو شیء باشد.

جدول آنالیز عنصری شیء شماره ۲		جدول آنالیز عنصری شیء شماره ۱	
درصد		درصد	
۹۴	مس	۶۴	مس
۵	روی	۳۵	روی
۳/۰	سرب	۵/۰	سرب
۱/۰	آهن	۲/۰	آهن
۰۷/۰	نقره	۰۹/۰	نقره
۰۹/۰	آنتی موان	۰۵/۰	آنتی موان
۰۲/۰	آرسنیک	۰۱/۰	آرسنیک

بر اساس جدول آنالیز عنصری، فلز برنج بکار رفته برای ساخت شیء شماره ۱ تحت عنوان برنج زرد گروه‌بندی می‌شود. از دیدگاه علم متالوگرافی، این نوع برنج‌ها بعلت بالا بودن درصد فلز روی بکار رفته در آنها به رنگ زرد دیده می‌شود و از نظر ساختار استحکام زیادی دارند و درعین حال میزان قدرت اجرای ابزار فلزکاری مختلف، همچون قلم‌های کنده‌کاری، بر آنها بسیار بیشتر است. همچنین فلز برنج بکار رفته برای ساخت شیء شماره ۲ تحت عنوان برنج ساده گروه‌بندی می‌شود. معمولاً حداکثر فلز روی بکار رفته در برنج‌های ساده ۵٪ است و بعلت بالا بودن درصد فلز مس، در اغلب موارد سطح آنها تیره‌رنگ می‌باشد (فرهنگ، ۱۳۶۶، ص. ۸۵).

#### ♦ نتیجه‌گیری

در خصوص مبحث فنی شیء مورد نظر این مقاله باید گفت طی بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد از یکسری مفتول‌های نقره بمنظور فن مرصع کاری کاملاً مشابه ظروف تیموری موجود در موزه ملی ایران استفاده شده است. نوع قلم‌زنی‌ها، کنده‌کاری‌ها، و صیقل‌کاری سطح خارجی ظرف مواردی کاملاً مشابه هستند که تاکید بر اهمیت فنون اجرا شده فوق در دوره تیموری دارند. نوع نوشتار خط ثلث بر این شیء و مشربه برنجی موزه ملی ایران ارمنستان کاملاً مشابه بوده و از قلمی ظریف بمنظور خالی کردن اطراف متن استفاده شده است. آنالیز فلزی صورت گرفته بر این مشربه برنجی نشان دهنده آن است که صنعتگر عصر تیموری با دقت نظر فراوان ترکیبی مناسب بمنظور فلز برنج ایجاد نموده که علاوه بر استحکام ساختاری رنگ ظاهری بسیار زیبایی بخود گرفته است. در عین حال این نوع ترکیب فلزی خوردگی آلیاژ را به حداقل رسانده که این امر سلامت شیء را تأمین نموده است.

اشیاء فلزی دوره تیموری از دیدگاه هنر فلزکاری اسلامی جزء درخشان‌ترین نمونه‌های هنری جهان محسوب می‌شوند که بر

اساس انواع تکنیک‌های اجرا شده بر آنها می‌توان مجموعه‌ای از فنون هنری را مشاهده کرد و بطور حتم فن مرصع کاری نقره مخصوصاً در دوره تیموری بر گروهی از ظروف خاص این دوره که دسته‌ای از دهها گونه دارند. بسیار رایج بوده است. از طرفی، وجود کتیبه‌های اسلامی بر اینگونه اشیاء اطلاعات بسیار مفیدی در خصوص تمرکز یا پراکندگی ساخت این نوع آثار در اختیار قرار می‌دهند، و مهم‌تر از آن به عنوان نمونه‌اشیایی محسوب می‌شوند که کهن‌ترین نسخه‌ها از اشعار شاعران بزرگی چون حافظ بر آنها ثبت شده است. در طی قرون ۸ و ۹ هجری هنر فلزکاری اسلامی جلوه‌های متمایز نسبت به دوران ماقبل خود می‌یابد و زادگاه این تجلی هنری، که بخش‌های عمده‌ای از منطقه خراسان بزرگ و نواحی غربی ایران می‌باشد، در پیشرفت این مهم نقشی بسزا داشت. در این دوره استفاده از فنونی همچون قلم‌زنی‌های وسیع بر سطح ظروف برنجی و مفرغی بر زیبایی کارها افزود؛ همچنین استفاده از تناسب هندسی خطوط ثلث بر دیواره ظروف، که غالباً در مدح مالکان آنها می‌باشد، زیبایی کار را دو چندان نمود. البته غالب‌ترین نقش اجرا شده بر اشیاء این دوره نقوش انسانی است که معمولاً با هاله‌ای روشن در اطراف سرهایشان مشخص شده‌اند. اشخاص تصویر شده بر ظروف، در حالت‌هایی مختلف همچون سوارکاری، جشن و سرور، بازی چوگان و نوازندگی تصویر شده‌اند.

#### فهرست منابع

- ۱- داوودی، نادر (۱۳۸۲)، آثار ایران در موزه متروپلیتن، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
- ۲- فرهنگ، پرویز (۱۳۶۶)، فرهنگ مواد، انتشارات جامعه ریخته‌گران ایران، تهران.
- ۳- گانتز، سی. پل، جت (۱۳۸۳)، فلزکاری ایران در دوران هخامنشی، اشکانی و ساسانی، ترجمه: شهرام حیدرآبادیان، انتشارات گنجینه هنر، تهران.
- ۴- وارد، ریچل (۱۳۸۴)، فلزکاری اسلامی، ترجمه: مهناز شایسته‌فر، انتشارات مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، تهران.
- 5- Chirvani, Melikian ( 1982 ), **Islamic metalwork from the Iranian world 8<sup>th</sup> - 18<sup>th</sup> Centuries** , Her Majestys Stationery Office, London.
- 6- Feheravari, Geza ( 1976 ), **Islamic Metalwork Of the Eighth to the Fifteenth Century in the Keir Collection**, Farber and Farber Limited , London.
- 7- Jenkins, M. and Keene. **M. Islamic Jewelry in the Metropolitan Museum of Art** (New York ,1982).
- 8- Komaroff , Linda ( 1992 ), **The golden disk of Heaven : Metalwork of Timurid Iran**, Mazda Publishers, USA.
- 9- Pigott. V. C., **The Archaeometallurgy of the Asian world**, (University of Pennsylvania, philadelphia, 1999).